

## اثربخشی آموزش حل مسئله بر تعامل والدینی در بین نوجوانان در معرض خطر

سحر چشمه سیاهی<sup>۱</sup>، فاطمه یوسف وند<sup>۲</sup>، فرشته یوسف زاده<sup>۳</sup>، سعید شایوسی زاد<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد گروه روان شناسی بالینی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد گروه روان شناسی بالینی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد گروه روان شناسی بالینی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری تخصصی روان شناسی، دانشگاه تهران

### چکیده

هدف از این پژوهش، تعیین بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر تعامل والدینی در بین نوجوانان در معرض خطر بود. طرح پژوهش، نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری کلیه نوجوانان در معرض خطر شهر کرمانشاه بودند. نمونه مورد نظر با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس ۲۴ نفر براساس معیارهای ورود و خروج انتخاب و بطور کاملاً تصادفی در دو گروه دو گروه آزمایشی و گواه (۱۲ نفر گروه آزمایش و ۱۲ نفر گروه گواه) قرار گرفتند. ابزارهای پژوهشی مورد استفاده تعامل والدینی مارک (۱۹۸۳) بود و جهت سنجیدن آموزش مهارت حل مسئله از پروتکل آموزشی هشت جلسه ای استفاده شد. برای تحلیل داده ها از تحلیل کواریانس چند متغیره و یک متغیره استفاده شد. یافته ها نشان داد آموزش مهارت حل مسئله با توجه به میانگین تعامل والدینی (مادر) دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش تعامل والدینی (مادر) دانش آموزان گروه آزمایش شده است. آموزش مهارت حل مسئله با توجه به میانگین تعامل والدینی (پدر) دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش تعامل والدینی (پدر) دانش آموزان گروه آزمایش شده است.

**واژه های کلیدی:** آموزش مهارت حل مسئله، تعامل والدینی، نوجوانان در معرض خطر

## مقدمه

دوره نوجوانی از مهمترین و حساس ترین دوره های زندگی انسان به شمار می رود. در این دوره، تغییراتی در جسم و روان نوجوان رخ می دهد که هرکدام به نوعی بر او اثر می گذارد. گاهی این تغییرات، شخصیت و منش او را به کلی دگرگون می سازد. از این رو شناخت جنبه های مهم روانی، عقلانی، جسمانی و اخلاقی نوجوان، این توانایی را به او و اطرافیانش می دهد تا شیوه صحیح برخورد با تغییرات جسمی و روحی دوره نوجوانی را بدانند. این آگاهی، از بروز ناسازگاریهای خاص این دوران جلوگیری می کند. دوران نوجوانی، همزمان با دوران بلوغ است. دوران بلوغ یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد است. دوره نوجوانی و بلوغ، به سنین بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی اطلاق می شود. گاهی گذشتن از مرز کودکی و رسیدن به قلمرو بلوغ، با نابسامانیهای زیادی روبروست. در این دوره، نوجوان نه دیگر کودک به حساب می آید و نه هنوز به درستی بالغ شده است. وی در مرز بین این دو مرحله یعنی کودکی و بزرگسالی قرار دارد و با انتظارات خاص هر دو دوره روبرو است. اگر کاری کودکانه کند، او را ملامت می کنند که بزرگ شده و این کار در شأن او نیست، از سوی دیگر نیز در زمره بزرگسالان محسوب نمی شود (باوقار و شیبانی، ۱۴۰۱). امروزه شیوع رفتارهای پرخطر بخصوص در نوجوانان و جوانان به یکی از مهمترین و گسترده ترین دل نگرانیهای جوامع بشری تبدیل شده و علی رغم فعالیتهای سه دهه گذشته رفتارهای مخاطره آمیز در سطح جهان دارای رشد تصاعدی بوده است. علت رشد شاید این باشد که هنوز جهان و کشورهای درحال توسعه به این نتیجه نرسیده اند که باید انرژی بی پایان و جاه طلبی نوجوانان را درک نمایند و به خلق فرصتهای واقعی برای جوانان بپردازند. برطبق آمارهای مرکز کنترل پیشگیری بیماریها شیوع رفتارهایی که سلامتی را به خطر می اندازند در جامعه جوانان و نوجوانان رو به افزایش است. مصرف سیگار، مصرف تنباکو، غذاهای پرچرب و مصرف سیگار، غذاهای پرچرب و مصرف کم فیبر، عدم فعالیت بدنی، مصرف الکل، رفتارهای پرخطر جنسی، سوء مصرف مواد و... رفتار پرخطر محسوب می شوند (امینی پور و عامری، ۱۳۹۹).

در سال های اخیر نیز توجه ویژه ای به ادراک، تعامل اجتماعی، یادگیری اجتماعی و عاطفی شده است. از آنجا که ما انسان ها به صورت اجتماعی زندگی می کنیم، درک درست و دقیق رفتارهای دیگران نقش مهمی در زندگی ما ایفا می کند. ادراک، شامل آگاهی از رویدادها، مردم، اشیاء و موقعیت ها می شود و مستلزم جستجو، به دست آوردن و پردازش اطلاعات است. ادراک تعامل اجتماعی، فرآیند فعالی است که موجب فهم و درک رفتار دیگران می شود و دارای اشکال متفاوت مثبت و منفی است. تعامل والدینی مثبت، موجب ارزیابی بسیار خوش بینانه و تعامل والدینی منفی، ارزیابی های بسیار بدبینانه ای را موجب می شوند. با تمرکز بر جنبه های مثبت مانند شکل دادن یک رابطه ی دوستانه و کمک به دوستان، تعامل های سازنده و مثبت اجتماعی فرد افزایش می یابد (همتی، ۱۳۹۸). از طرفی یکی از عوامل روانشناختی که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران است و می تواند از این طریق با پیامدهای روانی به نحو کارآمد مقابله کرد مهارت های حل مسئله است که تا حد زیادی می تواند سلامت روان فرد را ارتقا بدهد. حل مسئله فرایندی است که به عنوان یک فعالیت هدفمند، مجدانه و آگاهانه در نظر گرفته می شود و راه کارهای مؤثر و بالقوه را برای یک مسئله در دسترس افراد قرار می دهد و امکان انتخاب راهبردی مؤثر را از بین راه های مختلف افزایش می دهد. یکی از مهمترین فرآیندهای تفکر، حل مسئله است و می تواند برای مقابله مؤثری با مشکلات و چالش های زندگی بسیار کمک کننده باشد. این فرایند در سلامت روانی و اجتماعی افراد نقش مهمی بازی می کند. مهارت حل مسئله نه تنها موجب دستیابی دانش آموزان به مجموعه هایی از اهداف ناظر بر رشد عقلانی از قبیل ادراک صحیح مطلب، مقایسه نظریات، درک ارتباط میان مطالب، استنتاج و استدلال، ارزیابی و قضاوت می شود؛ بلکه در زمینه اجتماعی نیز موجب می شود دانش آموزان مهارت های اجتماعی را بیاموزند آموزش مهارت حل مساله می تواند بر انگیزه تحصیلی افراد تأثیرگذار باشد و موفقیت تحصیلی بالا با استفاده از حل مساله ارتباط دارد (مرندی، کاکابرایی و حسینی، ۱۳۹۸).

در همین راستا می توان به پژوهش درستی و زارعی (۱۴۰۲) استناد کرد که تأثیر آموزش حل مسئله بر سازش یافتگی کودکان پیش دبستانی را مورد مطالعه قرار دادند و نشان داد که بین میانگین نمرات کودکان گروه آزمایش و گواه در سازش-یافتگی اجتماعی تفاوت معناداری به نفع گروه آزمایش وجود دارد. اما در دو مؤلفه سازش-یافتگی عاطفی و سازش-یافتگی

آموزشی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. همچنین صیدی، افروز، کاشانی، ارجمندنیا و کاکابرایی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان اثربخشی برنامه آموزش حل مسئله بر گستره توجه دانش آموزان با نشانگان داون به این نتیجه رسیدند که بین نمرات پیش آزمون-پس آزمون در زیرمقیاس های گستره توجه تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین نمرات پس آزمون-پیگیری تفاوت معنادار نبود ( $p \geq 0.05$ ). نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد آموزش حل مسئله بر گستره توجه دانش آموزان با نشانگان داون اثربخش است، بنابراین استفاده از این شیوه شناختی به منزله یک برنامه شناختی مؤثر در آموزش و پرورش کودکان با نشانگان داون، از اهمیت فراوانی برخوردار است. مرندي، کاکابرایي و حسيني (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش حل مسئله بر مهارت های اجتماعی کودکان پیش دبستانی پرداختند و نشان داد که آموزش حل مسئله در دو مرحله پس آزمون و پیگیری باعث افزایش مهارت های اجتماعی (شامل همکاری، جرئت ورزی، مسئولیت پذیری و خودمهارگری) در کودکان پیش دبستانی شده است. بر اساس یافته های به دست آمده از این پژوهش می توان نتیجه گرفت از آنجا که مهارت حل مسئله به چگونگی برطرف کردن مشکلات و مدیریت مسائل زندگی مربوط می شود، آموزش این مهارت ها به کودک، زمینه ساز بهبود تعامل و ارتباط سازنده و مؤثر با جهان پیرامون شده و موجب ارتقاء سطح مهارت های اجتماعی و روابط بین فردی مطلوب می شود. آموزش مهارت های حل مسئله در این مطالعه توانسته است زمینه همکاری، مسئولیت پذیری، و تعامل بین فردی مطلوب را در کودکان تقویت کند و در نهایت موجب افزایش مهارت های اجتماعی افراد گروه آزمایش شده است. کوک<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی تاثیر آموزش حل مسئله بر مشکلات انگیزه کودکان پرداخت و نشان داد داستان زمینه معناداری را ایجاد میکند تا به کودک برای غلبه بر مشکلات انگیزه بخشد و فرصتی برای بهبود حل مساله او فراهم آورد. تابوانا و مک لین<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که کنش های بین فردی (سرمایه اجتماعی ارتباطی) از راه اثرگذاری بر تلفیق دانش، آموزش مهارت حل مسئله و تعامل والدینی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می دهد. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر بخشی آموزش مهارت حل مسئله بر تعامل والدینی در بین نوجوانان در معرض خطر صورت خواهد گرفت. در واقع سوال اصلی پژوهش این است که آیا آموزش مهارت حل مسئله بر تعامل والدینی در بین نوجوانان در معرض خطر تاثیر دارد؟

### روش پژوهش:

در این پژوهش از روش تحقیق نیمه آزمایشی و از نوع طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه نوجوانان در معرض خطر (سوء مصرف دخانیات، سوء مصرف اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی، رفتارهای آسیب رسان به خود، خشونت و خودکشی و دچار انحرافات اجتماعی شناسایی شده) با تشخیص روان شناس مدارس و تحت نظر هسته مشاوره آموزش و پرورش شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۳ بودند که تعداد آنها در سه ماهه زمستان ۱۴۰۲ و سه ماهه بهار ۱۴۰۳ شناسایی شده ۴۸ مورد بود. از بین جامعه آماری تعداد ۲۴ نفر به صورت در نمونه گیری در دسترس با تشخیص روان شناس مدارس و تحت نظر هسته مشاوره آموزش و پرورش شهر کرمانشاه که پرونده دارند، انتخاب و پرسشنامه ارزیابی تعامل والدینی جهت پاسخگویی بین آنها توزیع شد و از بین آنها نوجوانانی که در تمایل به همکاری در رابطه با آموزش مهارت حل مسئله داشتند تعداد ۲۴ نفر بطور در دسترس انتخاب و در دو گروه ۱۲ نفر (۱ گروه آزمایش و ۱ گروه گواه) گمارده شدند.

### ابزار های جمع آوری اطلاعات پژوهش:

در این پژوهش از یک پرسشنامه استاندارد شده استفاده شد.

**پرسشنامه ارزیابی تعامل والدینی:** این پرسشنامه توسط مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند، و اندرو اسپووبل (۱۹۸۳) ساخته شده است که از ۲۴ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان بکار می رود. ارزیابی تعامل والدینی دو فرم دارد که یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. هر دو فرم

<sup>۱</sup> Cook

<sup>۲</sup> Tiwana & McLean

برای پدر و مادر یکسان است، به جز کلمات «پدر» و «مادر» که قابل تغییر است. بنابراین فقط یک فرم در اینجا آورده شده است. اما در فرم های پدر و مادر عامل های مختلفی وجود دارد. مقیاس تعامل والدینی با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (هماندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاس های مربوط به مادر نیز آلفای کلی ۰/۹۶ همسانی درونی عالی دارد، این ضرایب آلفا را سازندگان مقیاس با اجرای پرسشنامه بر ۲۴۱ دانشجو به دست آورده اند. در پژوهشی که (منبع داخل فایل) انجام داده است ضرایب پایانی محاسبه شده برای پرسشنامه فرم پدر برابر با ۰/۹۳ و برای فرم مادر ۰/۹۲ بوده است که نشان دهنده ی همسانی درونی خوبی است.

### روش اجرای پژوهش:

بعد از مشخص کردن نمونه به روشی که ذکر شد به تعداد آزمودنی های گروه آزمایشی و گروه کنترل برگه سؤال و پاسخ نامه آماده گردید و با هماهنگی به عمل آمده در موعد مقرر در هسته مشاوره آموزش و پرورش شهر کرمانشاه، با تشریح کلی کار و توجیه افراد جهت شرکت در این آزمون و تحقیق، از آنها خواسته شد که نهایت همکاری را با پژوهشگر داشته و تا پایان دوره انصراف ندهند سپس به تعداد آنها که ۲۴ نفر بودند برگه سؤالات پیش آزمون ارزیابی تعامل والدینی توزیع گردید. پس از اتمام پیش آزمون برنامه کلاسهای آموزش حل مسئله وجود به گروه آزمایشی که شامل ۱۲ نفر هستند داده شد. این آموزشها ۸ ساعت در قالب ۴ جلسه ی یک ساعته طول کشید برای این آموزش از پکیج آموزش حل مسئله، کتابهای معتبر آموزش مهارت زندگی، جزوه ها و سی دی ها و سخنرانی های مختلف در زمینه آموزش حل مسئله استفاده شد. بعد از اتمام ۸ ساعت کلاس، دوباره از هر دو گروه دعوت به عمل آمد و در همان شرایط آزمون اولی دوباره آزمون تعامل والدینی از افراد به عمل آمد (پس آزمون). این آزمون نیز مانند آزمون اولی یعنی پیش آزمون، تفسیر و نتیجه و نمرات آن نیز ثبت گردید تا پژوهشگر تأثیرات متغیر پیش بین بر متغیر وابسته را ارزیابی کند. از آنجایی که پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل می باشد لذا اکثر متغیر های مزاحم آن کنترل می شوند.

### جدول ۱ برنامه مداخله آموزش حل مسئله (۸ جلسه)

جلسات	محتوای جلسات
جلسه اول	آشنایی با افراد گروه و معرفی خودشان
جلسه دوم	در این جلسه به مهارت بیان احساسات و نظرات خود به دیگران و همچنین استفاده از کلمات مؤدبانه به جای اهانت و لجابت پرداخته شد.
جلسه سوم	در این جلسه به کاهش رفتار های تکانشی و عصیان گرانه پرداخته میشود
جلسه چهارم	در این جلسه به کاهش رفتارهای حسادت آمیز پرداخته می شود
جلسه پنجم	در این جلسه به کاهش جرأت ورزی های نا مناسب پرداخته می شود
جلسه ششم	در این جلسه به کاهش رفتارهای مغرورانه زیادی مطمئن پرداخته می شود
جلسه هفتم	در این جلسه به افزایش مهارت صبر و گذشت و فداکاری پرداخته می شود
جلسه هشتم	در این جلسه به روشهای حل مسأله و تصمیم گیری و جایگزین کردن رفتارهای صحیح در برابر رفتارهای غلط گذشته پرداخته می شود

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار و تعداد آزمودنی های نمونه برای کلیه متغیرهای در این پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمره تعامل والدینی (مادر و پدر) دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

متغیر	مرحله	شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	تعداد
تعامل والدینی (مادر)	پیش آزمون	گواه	۵۵/۲۰	۱۲/۷۲	۱۲
		آزمایش	۵۳/۴۱	۱۳/۲۲	۱۲
	پس آزمون	گواه	۵۲/۶۳	۱۲/۵۳	۱۲
		آزمایش	۵۸/۷۴	۱۴/۶۴	۱۲
تعامل والدینی (پدر)	پیش آزمون	گواه	۳۰/۰۷	۷/۱۱	۱۲
		آزمایش	۳۱/۱۵	۷/۵۱	۱۲
	پس آزمون	گواه	۲۴/۷۶	۶/۵۳	۱۲
		آزمایش	۲۹/۹۲	۶/۷۴	۱۲

در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات تعامل والدینی (مادر و پدر) دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون را نشان می دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی واریانس های نمره ها متغیرهای تحقیق دو گروه در جامعه

متغیر	F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معنی داری
تعامل والدینی (مادر)	۰/۴۸۱	۱	۲۲	۰/۴۹۴
تعامل والدینی (پدر)	۱/۳۸۱	۱	۲۲	۰/۵۴۲

همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می شود، فرض صفر برای تساوی واریانس های نمره ها دو گروه در متغیرهای اصلی تحقیق تعامل والدینی (مادر و پدر) از نظر آماری معنادار نمی باشد. یعنی پیش فرض تساوی واریانس های نمره ها در دو گروه آزمایش و گواه تأیید گردید. از این رو، مفروضه ی همگن بودن واریانس ها در همه متغیرهای اصلی تحقیق رعایت شده و امکان استفاده از تحلیل کوواریانس وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف در مورد پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات تعامل والدینی (مادر و پدر) دانش آموزان

نرمال بودن توزیع نمرات	گروه ها	کلموگروف - اسمیرنوف			کلموگروف - اسمیرنوف		
		آماره	درجه معنی داری	گروه ها	آماره	درجه معنی داری	گروه ها

تعامل والدینی (مادر)	آزمایش	۰/۹۹۹	۱۲	۰/۲۷۱	گواه	۰/۶۰۶	۱۲	۰/۸۵۷
تعامل والدینی (پدر)	آزمایش	۰/۸۸۳	۱۲	۰/۴۱۶	گواه	۰/۶۵۷	۱۲	۰/۷۸۲

همانگونه که در جدول ۴ ارائه شده است، فرض صفر برای نرمال بودن توزیع نمرات دو گروه در متغیرهای تعامل والدینی (مادر و پدر) تأیید می‌گردد. یعنی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در پیش‌آزمون و در هر دو گروه آزمایش و گواه تأیید گردید.

#### جدول ۵: نتایج آزمون بررسی پیش فرض همگنی شیب‌های رگرسیون متغیرهای تحقیق دو گروه در جامعه

متغیر	منبع تغییرات	F	سطح معنی داری
تعامل والدینی (مادر)	تعامل	۲/۵۴	۰/۰۸۹
تعامل والدینی (پدر)	گروه * پیش‌آزمون	۱/۸۷	۰/۱۴۱

همان گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، مقدار F تعامل برای کلیه متغیرهای تحقیق غیرمعنی دار می‌باشد. بنابراین، مفروضه همگنی رگرسیون تأیید می‌شود.

#### جدول شماره ۶: نتایج آزمون ام باکس مبنی بر همگنی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس

آماره آزمون ام باکس	آماره آزمون F	سطح معناداری
۸/۱۴	۱/۸۵۲	۰/۲۳۱

از طرف دیگر با توجه به این که آزمون F در برابر میزان متوسطی از واریانس‌های ناهمگن مقاوم است به خصوص هنگامی که نمونه‌ها دارای حجم مساوی باشند، استفاده از آزمون تحلیل کواریانس امکان‌پذیر می‌گردد. برای بررسی پیش فرض همگونی ماتریس واریانس - کوواریانس نیز از آزمون ام باکس استفاده شد. نتایج آزمون ام باکس ( $F=1/852$  و  $P>0/231$ ) در جدول شماره ۶ گویای آن است که شرط همگونی ماتریس واریانس - کوواریانس به خوبی رعایت شده است.

جدول ۷ نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری (مانکوا) بر روی میانگین نمرات پس‌آزمون تعامل والدینی (مادر و پدر) دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و گواه با کنترل پیش‌آزمون

نام آزمون	مقدار	فرضیه DF	خطا DF	F	سطح معنی داری (p)	مجذور اتا	توان آماری
آزمون اثر پیلایی	۰/۶۹۴	۲	۲۲	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۳۰۶	۲	۲۲	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰
آزمون اثر هتلینگ	۲/۲۶۴	۲	۲۲	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۲/۲۶۴	۲	۲۲	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰

همان طوری که در جدول ۷ مشاهده می‌شود با کنترل پیش‌آزمون سطوح معنی داری همه آزمون‌ها، بیانگر آن هستند که بین دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و گواه حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته تعامل والدینی (مادر و پدر) تفاوت معنی داری مشاهده می‌شود ( $p<0/0001$  و  $F=19/621$ ). برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، دو تحلیل کواریانس یک راه در متن مانکوا انجام گرفت که نتایج حاصل در جداول ارائه شده

است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۶۹ می باشد، به عبارت دیگر، ۶۹ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون دانش آموزان مربوط به تأثیر آموزش آموزش مهارت حل مسئله می باشد. توان آماری برابر با ۱/۰۰ است، به عبارت دیگر، امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است.

**جدول ۸: نتایج تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا بر روی میانگین نمرات پس آزمون تعامل والدینی (مادر) دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون**

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح p معنی داری	مجذور اتا	توان آماری
پیش آزمون	۱۵۹۸/۳۴۶	۱	۱۵۹۸/۳۴۶	۲۰/۶۳۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۰/۹۹۷
گروه	۱۸۲۶/۳۱۴	۱	۱۸۲۶/۳۱۴	۲۳/۵۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	۱/۰۰
خطا	۲۰۹۱/۷۸۷	۲۱	۷۷/۴۷۴				

همان طوری که در جدول ۸ نشان داده شده است با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تعامل والدینی (مادر) تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۰۰۱$  و  $F = ۲۳/۵۷$ ). به عبارت دیگر، آموزش مهارت حل مسئله با توجه به میانگین تعامل والدینی (مادر) دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش تعامل والدینی (مادر) دانش آموزان گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۶ می باشد، به عبارت دیگر، ۴۶ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون تعامل والدینی (مادر) مربوط به تأثیر آموزش آموزش مهارت حل مسئله می باشد. توان آماری برابر با ۱/۰۰ است، به عبارت دیگر، امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است.

**جدول ۹: نتایج تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا بر روی میانگین نمرات پس آزمون تعامل والدینی (پدر) دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون**

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح p معنی داری	مجذور اتا	توان آماری
پیش آزمون	۱۴۳۴/۴۱۸	۱	۱۴۳۴/۴۱۸	۲۱/۲۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۱/۰۰
گروه	۷۱۹/۰۷۸	۱	۷۱۹/۰۷۸	۲۵/۴۶۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸	۰/۹۹۸
خطا	۷۶۲/۵۱۵	۲۱	۲۸/۲۴۱				

همان طوری که در جدول ۹ نشان داده شده است با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تعامل والدینی (پدر) تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۰۰۱$  و  $F = ۲۵/۴۶$ ). بنابراین فرضیه دوم تأیید می گردد. به عبارت دیگر، آموزش مهارت حل مسئله با توجه به میانگین تعامل والدینی (پدر) دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش تعامل والدینی (پدر) دانش آموزان گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۸ می باشد، به عبارت دیگر، ۴۸ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون تعامل والدینی (پدر) مربوط به تأثیر آموزش آموزش مهارت حل مسئله می باشد. توان آماری برابر با ۰/۹۹۸ است، به عبارت دیگر، اگر این تحقیق ۱۰۰۰ مرتبه تکرار شود فقط ۲ مرتبه ممکن است فرضیه صفر اشتباهاً تأیید شود.

## بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تعامل والدینی (مادر) تفاوت معنی داری وجود دارد، آموزش مهارت حل مسئله با توجه به میانگین تعامل والدینی (مادر) دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش تعامل والدینی (مادر) دانش آموزان گروه آزمایش شده است. در تبیین این نتیجه می توان گفت که زندگی در دوران نوجوانی نه تنها برای کودک بلکه برای والدین نیز سخت می شود. پدر و مادر خوب بودن برای یک نوجوان خودش یک وظیفه است. با این حال، سال های نوجوانی برای رشد کودک شما بسیار مهم است. این سال ها می تواند آینده کودک را بسازد یا خراب کند. به عنوان والدین، شما باید نسبت به فرزند نوجوان خود بازتر، ارتباط برقرار، توجه و دوستانه تر باشید. این یک رابطه قوی ایجاد می کند و از درگیری های روزمره خانوادگی با نوجوانان جلوگیری می کند (رحیمی و عباس پور، ۱۴۰۰).

والدین بسیاری، فاقد دانش علمی کافی برای تربیت فرزند خود و مواجهه با مشکلات رفتاری آنان هستند. این موضوع از این نظر حائز اهمیت اساسی است که شایه فرزندپروری والدین در تحول و رشد کودک و همچنین پدیدایی و تداوم رفتارهای مثبت و یا غیرانطباقی در کودکان نقشی اساسی دارد. برای مثال با استناد به شواهد پژوهشی نارضایتی، گوشه گیری، بی اعتمادی و یا خودمختاری و سلامتی و بهزیستی کودکان متأثر از روش فرزندپروری والدین آنها است. بر این اساس، آموزش روش های صحیح تربیت فرزند یک ضرورت اساسی است. پدران و مادرانی که فرزندان خود را مورد پذیرش قرار می دهند نسبت به کودک، عاطفی، تأثیر کننده و گرم هستند و کودک خود را آنگونه که هست درک می کنند. انضباط و تربیت در نظر آنان شامل تشویق و ستایش و کمتر تنبیه بدنی است. این پذیرا بودن باعث ایجاد دلبستگی بین والدین و فرزند می گردد. دلبستگی به واسطه آن رابطه ی محبت آمیزی بین والدین و فرزندان بوجود می آید و کودک را برمی انگیزد تا با اطلاعات از والدین این دلبستگی را حفظ کند (کریمی، ۱۳۹۸).

در مقابل والدین بی تفاوت احتمالاً هیچ لذتی از حضور فرزندان خود احساس نمی کنند. آنها اغلب از رفتار کودکان خود گله مند هستند بدین صورت که کودکان نافرمانند و خوسرانه عمل می کنند. پدر و مادری که به آرزوهای خود نرسیده یا همواره احساس ضعف و بی لیاقتی می کنند در زندگی فرصت فرمانروایی و تحکم نداشته اند می خواهند آنها مطیع باشند و از شایه های استبدادی استفاده می کنند. والدین طرد کننده بیشتر کودک را طرد و با او رفتار سرد دارند و نسبت به نیازهای او ناآگاه و بی توجه هستند و حساسیتی در جهت رفع آن ندارند در نتیجه بین والدین و فرزندان فاصله می افتد و با بزرگتر شدن کودکان و روابط نامطلوب با والدین به صورت تعارض بین والدین و فرزندان پیدا می کند که به اختلاف و ناسازگاری می انجامد (شعاری نژاد، ۱۴۰۰). عکس العمل بچه ها در مقابل مراقبت شدید والدین نیز به صورت های مختلف ظاهر می شود گاهی بچه ها در اثر مراقبت شدید حالت اطاعت و تسلیم در مقابل والدین به خود می گیرند و استقلال خود را از دست می دهند و زمانی در مقابل آنها حالت طغیان و سرکشی ظاهر می سازند. این دست از کودکان نمی توانند با بچه های دیگر به سر برند و سازگاری اجتماعی ندارند. بعضی از بچه ها کم رو و خجالتی هستند و در بعضی موارد از طرف گروه همسن خود طرد می شوند زیرا آشنا به مهارت های اجتماعی نیستند لذا به اختلالات روانی و عدم سازگاری می انجامد (میلانی فر، ۱۳۹۶).

ارتباط موثر والدین با فرزندان، اساسی برای رشد سالم و توسعه روانی و اجتماعی فرزندان است. این ارتباط شامل فهم متقابل، حمایت، ارزش گذاری و ارائه مرزهای سالم برای رشد فرزندان می شود. همچنین باعث افزایش اعتماد به نفس، توانایی های اجتماعی و مهارت های مذاکره و حل مسئله در فرزندان خواهد شد (سقاوت، ۱۳۹۸). سال های نوجوانی شباهت زیادی به دو سالگی فرزندان دارد. در هر دو گروه سنی، فرزندان کارهای جدید انجام می دهند، می خواهند مرزها را کنار بزنند و قشقرق به راه می اندازند. وظیفه رشدی هر دو مرحله نیز مانند یکدیگر است: فرزندان باید از والدین خود دور شوند و شروع به کسب استقلال کنند. جای تعجب نیست که آن ها گاهی طوری رفتار می کنند که انگار در مرکز جهان هستند.

این امر باعث می شود که فرزندپروری در دوره نوجوانی فرزندان، به شدت دشوار گردد به خصوص به این دلیل که نوجوانان درمورد چیزهایی تصمیم می گیرند که در زندگی آن ها پیامدهای واقعی دارد مثل تصمیم هایی در مورد مدرسه، دوستان، رانندگی و غیره. اما آن ها هنوز قادر به تنظیم مناسب هیجانات خود نیستند و ممکن است دست به کارهای خطرناک بزنند یا تکانشی تصمیم بگیرند. این بدان معنی است که دستیابی به رابطه مثبت والدین با نوجوان نسبت به گروه های سنی دیگر فرزندان از اهمیت بیشتری برخوردار است. نزدیک ماندن به نوجوانان کار آسانی نیست. آن ها معمولاً وقتی احساس کنند والدینشان در کار آن ها دخالت می کنند، والدین خود را پس می زنند. همچنین در حالی که به راحتی با دوستان خود درد دل می کنند وقتی مادرشان از آن ها می پرسد که روزشان چگونه بوده است معمولاً ساکتند. از طرفی با همچنین حل مسئله به نوجوانان در معرض خطر کمک می نماید تا افکار و احساساتشان را تجربه کنند به جای اینکه از آن اجتناب کنند به خاطر به کار بردن این تکنیک می باشد که نمرات درآمیختگی افکار نسبت به گروه کنترل کاهش معناداری داشته است. بنابراین هدف آموزش حل مسئله ایجاد انعطاف پذیری روان شناختی بیشتر است. منظور از انعطاف پذیری روان شناختی توانایی تغییر یا مداومت در طبقات رفتاری کنشی است که انجام آن به اهداف ارزشمند کمک می کند. چون ممکن نیست که فرآیندهای زبانی که مشکلات انسان را ایجاد می کنند را حذف یا جابجا کنیم، هدف این است که این فرآیندها را تحت کنترل بافتاری در بیاوریم. این فرآیندها به تغییر فرآیندهای مرکزی زبانی که در انعطاف پذیری روان شناختی مداخله می کند، مربوطند. حل مسئله از طریق هر کدام از این فرآیندها می توان انجام شود. در آموزش حل مسئله برای کاهش، تغییر، اجتناب، سرکوبی و یا کنترل تجربه های خصوصی (افکار و احساسات) اقدامی صورت نمی گیرد. بلکه مراجعان یاد می گیرند که اثر و تأثیر افکار و احساسات ناخواسته را از طریق استفاده مؤثر از هوشیاری فراگیر کاهش دهند. مراجعان یاد می گیرند که جنگیدن با این تجربه های خصوصی را متوقف کنند، نسبت به آن ها گشاده باشند، جایی را به آن ها اختصاص دهند و بدون هیچ تلاشی به آن ها اجازه دهند که بیایند و بروند.

نتایج نشان داد با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تعامل والدینی (پدر) تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش مهارت حل مسئله با توجه به میانگین تعامل والدینی (پدر) دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب کاهش تعامل والدینی (پدر) دانش آموزان گروه آزمایش شده است. در تبیین این نتیجه می توان گفت که از نظر والدین، مسئولین مدرسه و کودکان، برقراری ارتباط خوب مانع از غیبت های مداوم، فرار از جلوی معلم به هنگام مشاهده او، فرار از مدرسه و بالخره ترک تحصیل میشود. با وجود مشکلات بزرگی که برای آموزش کودکان ناشنا وجود دارد، اما با برقراری یک ارتباط مفید و همه جانبه، شرایطی فراهم میشود که این کودکان اعتماد به نفس پیدا کرده و بتوانند زندگی اجتماعی نسبتاً مستقل و راحتی را در جامعه برای خود انتخاب نمایند. تأثیر محیط خانواده بر رشد کودک اغلب به وسیله مشاهده تعامل والد - فرزند مورد بررسی قرار گرفته است. در این مشاهدات معمولاً ویژگی های رفتاری والدین به وسیله دو بعد ارزیابی شده است: الف) پذیرش (گرمی)، شامل حمایت و پرورش عاطفه مثبت بین والدین و کودک می باشد. ب) کنترل، شامل آن دسته از رفتارهای والدین است که رفتار کودک خود را هدایت می کنند مانند: راهنمایی و کنترل، بازدارنده یا تسهیل کننده. زندگی برای انسان از راه تعامل و ارتباط ممکن می شود اصلی ترین منبع ارتباط والدین هستند خانواده بیش از تمام محیط های اجتماعی در رشد و تکامل فرد تأثیر دارد و کودک بیش از آن که از اوضاع اجتماع متأثر شود، تحت تأثیر شیوه های تربیتی خانواده است. والدین به عنوان الگوی فرزندان و خانواده بوده و فرزندان سعی می نمایند که اعمال و رفتارشان را با آنها مطابقت دهند (لیل آبادی، ۱۳۹۸). ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال ها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره جهان فرا می گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد، شیوه های سخن گفتن را می آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می گیرد و سرانجام نگرش ها، اخلاق و روحیاتش شکل می گیرد و به عبارتی اجتماعی می شود (هیبیتی، ۱۳۹۷).

والدین از عوامل مهمی هستند که به فرزندان کمک می‌کنند تا از عهده‌ی آن چه که لازمه‌ی مستقل شدن است برآیند و تبدیل به بزرگسالی توانا، متکی به خود دارای تصویر مثبت از خود شوند. والدین برای بدست گرفتن ابتکار عمل و انجام وظیفه لزوماً اطلاعات خود را هر روز باید غنی‌تر کنند تا بتوانند بر کودکان خود مؤثر واقع شوند. پژوهشگران معتقدند رابطه‌های والد فرزندی بر جهت یابی‌های تشخیص و رشد نیازهای روان شناختی و سایر خصوصیات فردی تأثیر می‌گذارد و طرح واره های فرزند پروری والدین در برگیرنده‌ی الگوهای گسترده‌ای از تربیت کودک و ارزش‌ها و رفتارهای خاص تربیتی والدین است که در رشد و شکوفایی فرزندان و هم چنین طرز رفتار فرزندان نفوذ فراوانی دارند (کارلسون<sup>۳</sup>، اسپکا<sup>۴</sup>، پاتل<sup>۵</sup>، و گویدی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹).

ارتباط با نوجوان با توجه به حساسیت ها و چالش هایی که این دوره از زندگی برای نوجوان و خانواده ها دارد به احتمال زیاد یکی از دغدغه های اصلی والدین است. رفتار والدین با نوجوان از این جهت بسیار مهم است که اگر به صورت صحیح انجام شود، می‌تواند کمک کند تا شما والدین از چالش های دوران نوجوانی با آرامش بیشتری عبور کنید و بتوانید نوجوانی با سلامت روحی کامل و موفق را وارد جامعه کنید. انواع مختلفی از موقعیت ها در زندگی شما وجود دارد. برخی از آنها را می‌توانید به راحتی مدیریت کنید و برای اداره برخی دیگر، به شکل صحیح نیاز است که آموزش ببینید. تربیت فرزندان در دوران نوجوانی یکی از این موقعیت هاست که با توجه به حساسیت هایی که دارد نیازمند آموزش است (عنصرانلو، ۱۳۹۷). از این رو آموزش مهارت های حل مسئله به دانش آموزان کمک نمود که احساس شایستگی و کارآمدی بیشتری در مسئولیت های روزانه و چالش های زندگی داشته باشند و موجب پیشرفت افراد در مهارت های مدیریت فشار روانی، حل مساله و تصمیم گیری، حل تعارض ها، خودگردانی، رهبری، وظیفه شناسی و رشد رفتارهای پسندیده شود. مهارت های حل مسئله موجب افزایش ظرفیت و توان روان شناختی اشخاص می‌شود. قدرت سازگاری اشخاص در مقابل فشارها و مشکلات زندگی و اجتماع برابر نیست. در یک محیط مشابه اجتماعی بعضی از اشخاص توانایی مقابله با مشکلات و موقعیت های چالش انگیز را خیلی زود از دست می‌دهند و در دام انزوا، افسردگی، رفتارهای ضد یا غیر اجتماعی و به ویژه وابستگی دارویی گرفتار می‌شوند. در حالی که عده ای دیگر به راحتی قادرند از پس این موقعیتها بر آیند و بدون عارضه خاصی مشکل را برطرف نمایند و یا آن را پشت سر بگذارند. این تفاوت در واکنش های مقابله ای و دفاعی افراد به تفاوت در ظرفیت روان شناختی آنها نسبت داده می‌شود.

هر قدر حل مسئله بین فردی بیشتر باشد به همان اندازه شخص قادر خواهد بود سلامت روانی – رفتاری خود را در سطح بهتری نگه دارد و به شیوه ای مثبت سازگارانه و کار آمد به حل و فصل مشکلات بپردازد. ظرفیت روان شناختی افراد در ارتقای بهداشت روان و هر سه جنبه جسمانی، روانی و اجتماعی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. به ویژه زمانی که مشکلات شکل روانی – اجتماعی به خود بگیرد یعنی زمانی که شخص در مواجهه با فشارهای روانی – اجتماعی و چالش های زندگی به الگوهایی از رفتار (غیر انطباقی) روی می‌آورد که حاصل آن فراهم کردن مشکلات برای خود شخص از یک طرف و جامعه از طرف دیگر می‌باشد. روش حل مسئله بین فردی، روشی بسیار مؤثر در کاهش ناکامی و آرام ساختن بدن و ذهن می‌باشد. کارایی این شیوه بخاطر وجود ارتباط بین تنش و تنش روانی است. وقتی از نظر روانی احساس فشار می‌کنیم، بطور خودکار عضلاتمان هم دچار تنش شده و منقبض می‌گردند. عکس این مسأله هم صادق است. از اینرو فراگیری شیوه ای که بتوانیم از طریق آن عضلاتمان را از تنش رها سازیم می‌تواند به آرامش روانی ما نیز کمک کند. باتوجه به آن چه ذکر شد می‌توان اذعان نمود که آموزش مهارت حل مسئله بر تعامل والدینی دانش آموزان مؤثر است.

<sup>۳</sup>. Carlson

<sup>۴</sup>. Specia

<sup>۵</sup>. Patel

<sup>۶</sup>. Goodey

## منابع

- عباسی، محمدابراهیم، گل محمدیان، محسن، کاکابرایی، کیوان. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر آموزش تلفیقی ذهن آگاهی و معنویت درمانی بر مؤلفه های توانایی های شناختی مادران کودکان کم شنوا، مجله علوم روانشناختی دوره ۲۲ بهار (اردیبهشت) ۱۴۰۲ شماره ۱۲۲
- زین العابدینی، محمدهادی، کاکابرایی، کیوان. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین، تحقیقات علوم رفتاری دوره نوزدهم زمستان ۱۴۰۱ شماره ۴ (پیاپی ۷۰)
- صیدی، مریم، افروز، غلامعلی، کاشانی وحید، لیلا، ارجمندنی، علی اکبر، کاکابرایی، کیوان. (۱۴۰۱). اثربخشی برنامه آموزش حل مسئله بر گستره توجه دانش آموزان با نشانگان داون، سلامت روان کودک دوره نهم تابستان ۱۴۰۱ شماره ۲ (پیاپی ۳۱) ۴۹-۳۶
- فریدمرندی، بهروز، کاکابرایی، کیوان، حسینی، سعیده السادات. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش حل مسئله بر مهارت های اجتماعی کودکان پیش دبستانی (مقاله علمی وزارت علوم)، سلامت روان کودک دوره ششم زمستان ۱۳۹۸ شماره ۴ (پیاپی ۲۱) ۱۳۱-۱۴۳
- همتی، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر آموزش مثبت نگری بر پذیرش اجتماعی، افسردگی و ارتقاءهوش هیجانی دانش آموزان راهنمایی محروم از پدر، پایان نامه کارشناسی ارشد، منتشر شده، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- امین دهقان، مریم، پریخ، زهره (۱۳۹۸). به بررسی تأثیر آموزش حل مسئله بر کاهش مشکلات رفتاری هیجانی و بهبود عادات خواب دانش آموزان مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی، فصلنامه روانشناسی سلامت، دوره هیجدهم، شماره ۳. اسلاوین، رای. (۱۹۹۸). روانشناسی تربیتی، ترجمه: یحیی سیدمحمدی. (۱۴۰۱) چاپ پنجم، نشر دوران.
- بدری مقدم، امیر. (۱۳۹۹). کاربرد روانشناسی در آموزشگاه، تهران: انتشارات سروش
- باوقار، زهرا، شیبانی، فاطمه. (۱۴۰۱). بررسی اثر بخشی آموزش حل مسئله بر کاهش مشکلات رفتاری هیجانی و پر خاشگری و افسردگی دانش آموزان، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره دهم، شماره ۲.
- بهجتی، هانیه، پاشاهی اردکانی، اهورا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر روش تدریس بارش مغزی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان اردکان، مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، دوره پانزدهم، شماره ۳، صص ۱۳۶-۱۴۴.
- بیگی، خسرو. فیروزبخت؛ مهرداد. (۱۴۰۲). مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. تهران: انتشارات رشد.
- تقی زاده. (۱۳۹۷). رابطه بین تعاملات اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی با قلدری در دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر گناباد، پایان نامه کارشناسی ارشد، کتابخانه دیجیتالی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)
- حجتی، حمید، شریف نیا، سید حمید، فغانی، مریم، حجتی، هانیه، سلماسی، الگار. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین تعاملات اجتماعی و ارتباط آن با کیفیت زندگی معتادان، فصلنامه علوم بهداشتی جندی شاپور، سال چهارم، شماره ۳، صص ۴۳-۵۶
- روشه، کی. (۱۹۹۹). کنش اجتماعی. ترجمه ی زنجانی زاده، هما. (۱۳۹۵). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- احمدوند، محمدعلی. (۱۳۹۸). روانشناسی کودکان استثنایی. تهران: انتشارات پیام نور.
- افروز، غلام علی. (۱۳۹۸). مقدمه ای بر روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. خادمیان، عبدالله. (۱۳۹۸). آموزش مهارت حل مسئله و نوآوری در آموزش و پرورش (فرهنگ. آموزش)، فصلنامه آموزشی پژوهشی تحلیلی خبری و اطلاع رسانی، سال پنجم، شماره ۱۳ و ۱۲.
- خسروانی، امیر. (۱۳۹۸). تفاوت آموزش مهارت حل مسئله و نوآوری با ملاحظه مفاهیمی مثل تغییر و آفرینشگری دانش آموزان پایه سوم راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

درزی رامندی، عصاره و جراره (۱۴۰۱). تاثیر آموزش مهارت حل مسئله و تعامل والدینی درس تعلیمات اجتماعی. مجله تحقیقات آموزشی، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۳۶-۴۸.

دهقان، نسرين؛ پریخ، مهری. (۱۳۹۸). تحلیل محتوای کتاب های قصه مناسب دانش آموزان در گروه سنی با رویکرد ادبیات درمانی، فصلنامه کتاب داری و اطلاع رسانی، شماره پیاپی ۵۳، ۲۴-۱۹.

رحیمی و عباس پور (۱۴۰۰) تاثیر آموزش مهارت حل مسئله و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران.

رشیدی، اسماعیل؛ شهرآرای، مهرناز. (۱۳۹۷). بررسی رابطه آموزش مهارت حل مسئله با منبع کنترل، فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۷-۳۶.

رضاییان، علی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین حل مسئله، راهبردهای یادگیری زبان و توانایی های زبانی، پژوهش زبان های خارجی (۳۲ ویژه نامه انگلیسی)، دوره سوم، شماره ۱۲، صص ۶۵-۷۵.

رحیمی، مریم، عباس پور، عباس (۱۴۰۰). تاثیر آموزش مهارت حل مسئله و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، مجله ابتکار و آموزش مهارت حل مسئله در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۴،، صفحه ۱۱۹-۱۴۲

حسینی، سید داود، مهری، لطف اله (۱۳۹۹). بررسی اثر بخشی آموزش مهارت حل مسئله بر پیشرفت تحصیلی درس مطالعات اجتماعی در دانش آموزان دختر سال اول متوسطه ناحیه دو تبریز، مجله آموزش و ارزشیابی، دوره ۷، شماره ۲۷،، صفحه ۷-۱۵۴

کفایت، محمد. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین شیوه ها و نگرش های فرزندپروری با آموزش مهارت حل مسئله و رابطه متغیر اخیر با هوش، پیشرفت تحصیلی و رفتارهای پیشرفت گرای دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

گنجی، حمزه؛ پاشاشریفی، حسن و میرهاشمی، مالک (۱۳۹۴). اثر روش بارش مغزی در افزایش آموزش مهارت حل مسئله دانش آموزان، ماهنامه تربیت، سال سیزدهم، شماره ۴.

مالکول، مالتز (۱۹۹۹). روانشناسی حل مسئله، ترجمه: مهدی قراچه داغی، (۱۴۰۱). چاپ پنجم، تهران، انتشارات شباهنگ.

معدن دار، عباس. (۱۴۰۱). آموزش و پرورش تطبیقی (نظریات و تئوری های بنیادین)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل.

محمد پور، حسین. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت و سلامت روان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سوم متوسطه شهرستان لامرد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد مرودشت.

میربلوک، عباس (۱۳۹۶). رشد آموزش مهارت حل مسئله در محیط کلاس، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشنامه روانشناسی و علوم تربیتی، دوره یکم، شماره سوم، صص ۴۱-۴۹.

میرکمال، سیدمحمد، خورشیدی، سمیه. (۱۳۹۷). ویژگی های فرد و تفکر خلاق، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشنامه روانشناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره دوم، صص ۵۲-۶۳.

والی، زینب (۱۴۰۰). بررسی تاثیر آموزش مهارت حل مسئله به عنوان روش موثر در آموزش مفاهیم پیچیده علم پزشکی اولین همایش ملی روان شناسی خانواده و کودک، کرمانشاه.

وستون، آنتون. (۱۹۹۹). *آموزش مهارت حل مسئله تفکر انتقادی*، ترجمه کاوه بویری (۱۳۹۸)، تهران: چاپ اول، انتشارات کتاب آمه.

وکیلی، نجمه؛ امینی، علی. (۱۳۹۹). بررسی موانع آموزشی شکوفایی آموزش مهارت حل مسئله دانش آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان ابتدایی آموزشی و پرورش منطقه هلیلان در استان ایلام، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، دوره چهارم، شماره ۸، صص ۶۳-۷۹.

هاشمی، سهیلا. (۱۳۹۸). بررسی رابطه هوش هیجانی، آموزش مهارت حل مسئله هیجانی و آموزش مهارت حل مسئله در دانشجویان هنر، ادبیات علوم پایه. *اندیشه های نوین تربیتی*، دانشکده علوم تربیتی روانشناسی دانشگاه الزهرا (س)، دوره پنجم شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۲.

Atlaplto, K. Lahti, G.. (۲۰۱۷). In strutional effects on critical thinking performance on ill-defined issues .Department of ducation, *university of Cyprus*, ۱۱-۱۲dramas street, Nicosia cy-۱۶-۷۸, Cyprus

Akane R, G. (۲۰۱۸)..Motives, goals, and adaplive paterrens of performance in Asian American and Anglo American students Lerarning and Individual Differenes, *Jornal of Arts and Hamanities in tliher education*, ۱۵(۲), pager ۱۴۱-۱۵۸

Coetzee, L.J, Clarke, L., Ukgerer. J.A. (۲۰۱۷). children,s drawing provid a new prespective on teacher – child relation guality and school adjustment. Australia Macguarie university. *Early childhood Research Quarterly*. ۵۵-۷۱.

Furlonger, B. F. (۲۰۲۲). "Narrative therapy and children with hearing impairment",. Am Ann Deaf, ۱۴۴(۴): pp. ۳۲۵-۳۳.

Parker. N.S, Asher, M.E.(۲۰۲۰). Reserch on couple and couple therapy. What do know. Where we going. *Journal of Consulting and Clinical psychology* , ۶۱, ۸۵-۹۳.

Pascarella, D. Terenzini G.. (۲۰۲۱). Role problems and the relationship of achievement motivation to scholastic performance *Journal of Educational psychology*. Pages ۹۵۰-۹۵۹

Parado, SH; (۲۰۲۰). Effects of a teacher traning works shop or creativity, cognitional school achivement, *high ability studies* V۱۳ N ۱.

Ulrike, E. N., Goetz. T., Hall, N. C .frenzel, A. C. (۲۰۱۸) Metacognitive strategies and rest performance: An experience sampling analysis of students 'Learning behavior *,Education Research Tnternational*, Article ID ۹۵۸۳۱۹, ۱۶pages.

Yang S, Cheng R. (۲۰۲۰).Per Fectionism in adolescent school students: Relations with motivation , achievement, and well-being personality and Individual Differences *Journal of Educational psychology*, ۴۲(۷), pager ۱۳۷۹-۱۳۹۹

Tiwana, G.McLean E. (۲۰۱۹). Academic freedom critical thinking and theaching ethics *Jornal of Arts and Hamanities in tliher education*, ۵, ۱۹۹-۲۰۸